



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Ethical Considerations in Dealing with Terrorist Crimes in Iran And U.S. Law

Seyed Vali Noorashrafoddin¹, Hasan Hajitabar Firoozjai^{2*}

Received:

23 May 2020

Revised:

23 my 2020

Accepted:

12 Jun 2020

Available Online:

01 Jul 2020

Keywords:

Procedure,
Social and Moral
Justice,
Terrorist Crime,
Security,
Public Order,
Ethics.

Abstract

Background and Aim: Today, the spread of terrorism as one of the most important security challenges has led to an implementation of a discriminatory procedure; That is, the defendants of these crimes have been prosecuted in a different and more rigorous manner than other criminals, and some of the rights that other defendants enjoy are denied.

Materials and Methods: This is a descriptive - analytical Study.

Ethical Considerations: Honesty and confidentiality have been observed.

Findings: Implementing a discriminatory procedure for defendants of terrorist crimes is socially beneficial and is a moral choice; because by taking hard on defendants ensures the maintenance of public order and enhances the community security. It also provides the groundwork to prevent citizens from harms as a result of terrorist acts in the future .However, the restriction of individual liberties (such as the prolongation of temporary detention) and the deprivation of these defendants' rights over other criminals have led to unfair discrimination and question the judicial justice.

Conclusion: Discriminatory procedure of terrorist crimes defendants is an unethical, unjust and discriminatory choice. But it will be an ethical choice from the viewpoint of society as a whole and the need to maintain order and security of citizens. In both, the United States and Iran, the same approach of preferring the interests of society to the individual has been confirmed.

¹ PhD in Criminal Law and Criminology, Attorney at Law, Iran.

^{2*} Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity Science, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch, Qaemshahr, Iran. (Corresponding Author)

Email: Hajitabar@yahoo.com Phone: +989112158173

Please Cite This Article As: Noorashrafoddin, SV & Hajitabar Firoozjai, H (2020). "Ethical Considerations in Dealing with Terrorist Crimes in Iran And U.S. Law". *Interdisciplinary Legal Research*, 1 (2): 35-49.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۳۵-۴۹)

ملاحظات اخلاقی مربوط به دادرسی جرایم تروریستی در حقوق ایران و آمریکا

سید ولی نور اشرف‌الدین^۱، حسن حاجی‌تبار فیروزجایی^۲

۱. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، وکیل دادگستری، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Hajitabar@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۹/۳/۳ ویرایش: ۱۳۹۹/۳/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۳ انتشار: ۱۳۹۹/۴/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: امروزه گسترش تروریسم به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های امنیتی، موجب معرفی و اجرای دادرسی افتراقی شده است؛ بدین معنا که متهمان این جرایم، به شیوه‌ای متفاوت و سخت‌گیرانه‌تر نسبت به سایر مجرمان مورد تعقیب و رسیدگی قضایی قرار گرفته و بخشی از حقوقی که سایر متهمان از آن برخوردار می‌باشند از ایشان سلب می‌گردد. هدف از پژوهش پیش رو تبیین و شناخت مؤلفه‌های اخلاقی، مصادیق و جلوه‌های اخلاق‌مدارانه در خصوص دادرسی جرایم تروریستی از منظری تطبیقی میان حقوق کیفری دو کشور ایران و آمریکا است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق ما در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: در به سامان رسیدن این تحقیق ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: اجرای دادرسی افتراقی در خصوص متهمان جرایم تروریستی از آن منظر که به واسطه سخت گرفتن بر متهمان، موجبات حفظ نظم عمومی جامعه را فراهم آورده و امنیت جامعه را ارتقاء می‌بخشد، حائز ویژگی سودمندی اجتماعی بوده و گزینه‌ای اخلاقی است؛ همچنین اجرای این شیوه زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که مانع اضرار به شهروندان در نتیجه اعمال تروریستی در آینده گردد. با این وجود تحدید آزادی‌های فردی (مانند افزایش مدت بازداشت موقت) و سلب برخی از حقوق متهمان این جرایم نسبت به سایر مجرمان موجب ایجاد تبعیض ناعادلانه شده و عدالت قضایی را زیر سوال می‌برد.

نتیجه‌گیری: دادرسی افتراقی متهمان جرایم تروریستی از نگاه فرد محور، گزینه‌ای غیر اخلاقی و ناعادلانه و تبعیض‌آمیز است؛ لیکن از منظر توجه به کلیت جامعه و ضرورت حفظ نظم و امنیت شهروندان، انتخابی اخلاقی می‌باشد. در ایران و ایالات متحده آمریکا نیز رویکرد ترجیح منافع جامعه بر فرد مورد تایید قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: دادرسی، عدالت اجتماعی و اخلاقی، جرایم تروریستی، امنیت، نظم عمومی، اخلاق.

مقدمه

۱- بیان موضوع: حقوقدانان معاصر مهم‌ترین وابستگی حقوقی جزا به علوم انسانی را مربوط به علم اخلاق می‌دانند. گاه رعایت نکردن مقررات اخلاقی واکنش خفیف اجتماعی را به دنبال دارد که به‌طور معمول با نکوهش، سرزنش و توبیخ‌های اخلاقی خفیفی همچون بی‌اعتنایی همراه است، اما اگر به دلیل اهمیت برخی از مقررات اخلاقی، عکس‌العمل شدید باشد مجازات یا اقدام‌های تأمینی پاسخگویی عمل ضد اخلاقی است که عنوان جرم می‌گیرد. اگر همانند برخی حقوقدانان نخواهیم مجازات‌ها را فقط ضمانت اجرای اخلاقیات بدانیم بی‌تردید در کنار ضرورت‌هایی که قانونگذار را وادار می‌دارد تا قوانینی مورد نیاز اجتماع وضع کند، باید پذیرفت که بسیاری از قوانین وضع شده دیگر برای جلوگیری از گسترش رفتارهای غیر اخلاقی است. پس به‌طور اختصار در مورد مفهوم پدیده مجرمانه و نسبت آن با اخلاق می‌توان گفت هر چند رایج‌ترین تعریف از جرم، نسبت به کنش‌های مخالف نظم اجتماعی انجام می‌شود اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت بی‌تردید همین مفهوم نظم اجتماعی بدون توجه به گرایش‌های اخلاقی یک جامعه قابل اشاره نیست. از دیگر سو، رابطه بین اخلاق و حقوق امری مسلم و مورد تأیید و تأکید فلاسفه و اندیشمندان اخلاقی و حقوقدانان است. از جمله مباحثی که به‌طور خاص می‌توان رابطه این دو را مورد کنکاش و بررسی قرار داد، اخلاق در فرایند دادرسی است. هرگاه بتوان مبانی و معیارهایی عینی برای سنجش رعایت عدالت در یک دادرسی ارائه نمود، می‌توان راجع به اجرای عدالت در مرحله رسیدگی اظهارنظر دقیق‌تری کرد. مبانی اخلاق‌مدارانه از این منظر شامل، تضمین برای برخورداری افراد از حقوق اساسی خود، از جمله حق حیات، آزادی و امنیت و بهره‌مندی از سایر حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در نتیجه باید استانداردهای دادرسی اخلاق محور تعریف و از آن‌ها در سنجش عادلانه بودن استانداردها استفاده شود. امروزه تروریسم به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های امنیتی در سطح بین‌المللی و داخلی محسوب می‌شود. یکی از پیامدهای گسترش تروریسم،

متنوع شدن اشکال آن است که گونه‌های مختلف از آن در تقسیم بندی‌های متفاوتی از حیث ارتکاب و انگیزه قابل شناسایی است. (Janda, 2017: 120) امروزه صیانت از ارزش‌های بنیادین جامعه از جمله امنیت، در قالب دکترین امنیت ملی، به ضرورتی تردیدناپذیر تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که گسترش ناامنی داخلی (از جمله ناامنی‌های داخلی می‌توان به حمله تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۶ در تهران نام برد) و بین‌المللی ناشی از ابعاد و اشکال مختلف تروریسم از حیث نحوه ارتکاب و انگیزه شامل تروریسم هسته‌ای، بیو تروریسم، تروریسم ملی‌گرا، تروریسم سیاسی، تروریسم نظامی، تروریسم مذهبی، تروریسم دولتی، سایبر تروریسم، تروریسم کشاورزی، تروریسم شیمیایی، تروریسم جنایی و... باعث شده است تا در سیاستگذاری‌های جنایی داخلی و بین‌المللی به فکر ایجاد تدابیر خاص و ویژه در افتراقی یا آیین دادرسی کیفری افتراقی بنمایند. با توجه به عناوین مجرمانه سیاسی پیش بینی شده در قوانین کیفری ایران (ماده ۲ قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم اصلاحی سال ۱۳۹۷) که همان مصداق جرایم تروریستی می‌باشد، نیازی به تخصیص عنوان خاصی به اعمال تروریستی تحت عنوان جرایم تروریستی نیست. در واقع، مفهوم تروریسم، مفهوم جدیدی محسوب نمی‌شود و اعمال تروریستی، خواه ناخواه به عنوان یکی از جرایم علیه اشخاص یا جرایم علیه اموال و یا جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی مطرح می‌گردد. بدین ترتیب بدیهی است سخن گفتن از اعمال تروریستی، به نحو محسوسی همان مفهوم و مصادیق جرایم تروریستی را در بر دارد. (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۶۷)

اهداف نگارنده از نگارش پژوهش پیش رو، تبیین و شناخت مؤلفه‌ها و معیارهای اخلاق‌مدارانه در دادرسی جرایم تروریستی در دو کشور ایران و آمریکا بوده و همچنین شناخت مصادیق و جلوه‌های اخلاق محور در جرایم تروریستی و شناسایی موانع و خلأهای قانونی در راستای دادرسی اخلاق‌مدارانه نسبت به جرایم تروریستی در حقوق کیفری ایران و آمریکا می‌باشد. از

این رو، نگارنده در پی پاسخ به سوالاتی از قبیل مهم‌ترین دلایل توجیهی پذیرش دادرسی اخلاق محور و جایگاه این تفکر در جرایم تروریستی و همچنین مصادیق و رابطه میان ادله اثبات جرایم تروریستی و اخلاق، می‌باشد.

۲- تبیین مفاهیم: ترور و تروریسم واژه‌هایی است که از فرهنگ غرب وارد مجموعه واژگان زبان فارسی شده است به طوری که حتی در برخی از فرهنگ‌های معتبر لغت فارسی مانند فرهنگ معین یافت نمی‌شود. خواستگاه این واژه‌ها فرهنگ غرب است که در آنجا دارای بستر تاریخی خاص و ابعاد مختلفی است و تا زمانی که ریشه‌ها و ابعاد تاریخی آن روشن نشود و به تعبیر دیگر موضوع‌شناسی دقیقی از آن صورت نپذیرد، نمی‌توان از رویکرد اسلام نسبت به آن سخن به میان آورد. در فرهنگ‌های انگلیسی، ترور چنین معنی شده است: «تروریسم» از ریشه لاتین terror به معنی ترس شدید و وحشت است. (Gordon, 2016:77)

برخی از لغت‌شناسان در توضیح کلمه ترور چنین آورده‌اند: «ترور مأخوذ از فرانسه و به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه است و در فارسی متداول شده است. این کلمه در فرانسه به معنی وحشت و خوف آمده است و تروریست به شخصی اطلاق می‌شود که با اسلحه مرتکب قتل سیاسی شود. تروریسم در زبان فارسی به اصلی گفته می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد». (Kavanagh, 2017:90)

تروریسم یعنی خشونت‌های سیستماتیک که گروهی از افراد را دچار رعب و وحشت نماید. تروریسم از نظر مفهوم حقوقی عبارت است از اقدامات جنایی بر ضد کشور به منظور ایجاد ترس در اشخاص، که این اقدامات با توسل به قتل و خرابکاری انجام می‌شود و گروه زیادی از مردم در این عملیات کشته می‌شوند. (Dain, 2017:89)

در کد ایالات متحده، در عنوان ۲۲- فصل ۳۸ و ماده 2656f تروریسم و گروه تروریستی این طور تعریف شده‌اند: تروریسم به معنای ارتکاب خشونت از پیش اندیشیده، با انگیزه سیاسی علیه اهداف غیر رزمی توسط گروه‌های فرعی ملی یا عوامل مخفی است و گروه تروریستی هر گروهی که اقدام به تروریسم

بین‌المللی می‌کند یا زیرگروه‌های مهمی دارد که اقدام به تروریسم بین‌المللی می‌کند را شامل می‌گردد. (Janda, 121: 2017) علاوه بر قوانین فوق‌الذکر، قانون جزای نمونه آمریکا و قانون پاتریوت تروریسم به طور خاص مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است.

در پاسخ به این سوال که آیا در نظام حقوق کیفری موضوعه ایران، تروریسم به طور خاص مورد جرم‌انگاری واقع شده است یا خیر؟ باید گفت که نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی میان دکترین حقوقی وجود دارد. به اعتقاد برخی در نظام قانونگذاری ایران با سکوت و خلأ قانونی در باب جرایم تروریستی مواجه هستیم و جرمی تحت عنوان «جرم تروریست» در نظام حقوقی ایران وجود ندارد؛ لکن با این وجود جرایم تروریستی در حقوق و رویه قضایی ایران را می‌توان در قالب عناوین مجرمانه دیگری مانند محاربه، افساد فی الارض، بغی، خرابکاری در تأسیسات عمومی و امثالهم شناسایی و تحت تعقیب قرار داد. (Konani, 2015:40)

این مقاله قائل به این نظرند که در نظام قانونگذاری ایران می‌توان با استناد به برخی از قوانین و مقررات موجود و بنا به استدلال‌ها و توجیهات ذیل پذیرفت که «جرایم تروریسم» نیز در قالب یک عنوان کلی مشابه «جرایم اقتصادی» و یا «جرایم سیاسی» در حقوق ایران به طور خاص نیز مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که این امر یعنی جرایم تروریستی در ماده ۲ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اصلاحی سال ۱۳۹۷ تحت عنوان «اعمال تروریستی» به طور خاص جرم‌انگاری شده است و نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان مصادیقی از جرایم در حکم محاربه و یا افساد فی الارض تلقی نمود. (Konani, 2015:40)

۳- روش تحقیق: در این مطالعه تحلیلی، اسناد و قوانین مربوط به شیوه برخورد با متهمان جرایم تروریستی و نیز مقالات منتشره، به صورت هدفمند جستجو شده و توجیهات اخلاقی اجرای این نوع دادرسی مورد بررسی قرار گرفت. روش ما در انجام این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی بوده است.

بحث و نظر

۱- جایگاه ملاحظات اخلاقی در قانون آیین دادرسی جرایم

تروریستی

اصل کرامت انسانی و اخلاقی در قلمرو حقوق کیفری شکلی نیز از جایگاه والایی برخوردار بوده و دارای نقش محوری و بنیادین است. این اصل در تضمین مشروعیت نظام دادرسی کیفری، قانونمند کردن اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، جهانی شدن حقوق کیفری و تعدیل حاکمیت کیفری مطلق و انحصاری دولت‌ها دارای اهمیت و نقش اساسی است. (محمودی، ۱۳۹۶: ۳۵)

به عبارتی دیگر احترام به کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های افراد از مبانی اخلاقی-سیاسی مشروعیت یک نظام سیاسی محسوب می‌شود. نظریه مشروعیت اخلاقی-سیاسی حکومت، در قلمرو آیین دادرسی کیفری دارای اهمیت خاصی است؛ چون قواعد آیین دادرسی کیفری استفاده مستقیم دولت از قدرت و خشونت علیه شهروندان را سازماندهی و کنترل می‌کند. اگر قواعد آیین دادرسی کیفری ظالمانه و خودسرانه بوده و به دولت و مقامات اجرایی قانون یعنی دادگاه‌ها، دادرها و پلیس و یا حتی اشخاص عادی اجازه استفاده از شیوه‌ها و تدابیر خودسرانه و مستبدانه را بدهند، مشروعیت سیاسی - اخلاقی خود را از دست خواهند داد. این گونه اقدامات باعث سلب اعتماد مردم به حکومت گردیده و موجب خواهند شد که نظام کارایی خود را از دست بدهد چراکه یکی از ویژگی‌های اساسی یک نظام حقوقی-سیاسی کارآمد «قدرت توجیهی» آن است. چنانکه ملاحظه می‌شود، قوانین آیین دادرسی کیفری بهترین وسیله برای شناخت ماهیت نظام‌های سیاسی بوده و درجه آزادمندی یک سیستم سیاسی-حقوقی را مشخص می‌کنند. (Jazaieri, 2015: 50)

در واقع «اصل حاکمیت قانون» که خود مبتنی بر احترام به کرامت ذاتی انسان‌هاست، یکی از پایه‌های مهم نظری و سیاسی آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شود. ضرورت قانونمند کردن اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های

شهروندان نیز دقیقاً از همین جا ناشی می‌شود. به عبارتی بهتر، قواعد آیین دادرسی کیفری با هدف قانونمند کردن اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های شهروندان و جلوگیری از سوء استفاده مقامات حکومتی از قدرت علیه شهروندان وضع می‌گردد، بنابراین این قواعد رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگی با حقوق و آزادی‌های فردی دارند. (محمودی، ۱۳۹۶: ۳۴)

آیین دادرسی کیفری، جلوه‌گاه اصلی دادگری بوده و نقطه اوج نمایش انسانیت در فرایند دادرسی کیفری تبلور می‌یابد. حتی آنگاه که مرتکبان جنایت‌های علیه بشریت، نسل کشی و جنایت‌های جنگی، به عنوان متهم در برابر دستگاه عدالت کیفری قرار می‌گیرند، نباید آن‌ها را به‌عنوان انسانی جنایتکار دید بلکه باید به آنها همچون انسانی که از حقوق برخوردارند توجه کرد. سنگینی اتهام‌ها، گستردگی جنایت‌ها و وخامت اعمال ارتكابی هیچ‌گاه مجوزی برای برخوردهای غیر انسانی با متهم محسوب نشده و برقراری نظم و امنیت، هرچند که برهم خوردن آن، موجبات پریشانی افکار عمومی را در حد گسترده ای فراهم کند، نمی‌تواند کنش‌های غیر انسانی و خارج از قواعد آیین دادرسی کیفری خط بطلانی بر مدار انسانیت را توجیه نماید. به تعبیر دیگر این نظریه است که هدف وسیله را توجیه می‌کند و مقامات قضایی در حراست از نظم و امنیت عمومی، از هر قید و بندی رها هستند از این رو، در توصیف مقررات آیین دادرسی کیفری، همواره از منصفانه بودن آنها یاد شده و دادرسی کیفری منصفانه، به دادرسی برخوردار از ابعاد مختلف حقوق دفاعی متهم تعبیر می‌شود که برگرفته از آموزه‌های حقوق بشر است. (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۲۰) از این رو، در شرایطی می‌توان محاکمه را منصفانه تلقی کرد که اصول و قواعد یک نظام مترقی بر جریان دادرسی حاکم بوده و متهم در شرایطی کاملاً آزاد و برخوردار از تمامی تضمین‌های دفاعی، محاکمه شود. بنابراین، هر جا که در صلاحیت دادگاه یا استقلال و بی‌طرفی آن تردید باشد، یا حتی از حقوق متهم نادیده گرفته شده باشد، به یقین محاکمه را باید غیرمنصفانه به شمار آورد. نادیده انگاشتن حقوق دفاعی متهم و نقض اصول حاکم بر

دادرسی منصفانه، گاه در قالب قانونگذاری تحقق می‌یابد و گاه از رهگذر تدابیر اجرایی و اقدام‌های عوامل اجرایی انجام می‌شود که براساس قانون عهده‌دار نظم و امنیت بوده و در راستای برقراری امنیت، تا جایی پیش می‌روند که حقوق دفاعی متهمان را نادیده می‌انگارند. (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۶۰)

۲- جلوه‌های دادرسی کیفری افتراقی جرایم تروریستی با تاکید بر ملاحظات اخلاقی و دادرسی منصفانه در حقوق ایران و آمریکا

در ذیل نگارنده به منظور درک دقیق و همه جانبه موضوع در رویکرد تطبیقی، به تبیین جلوه‌های دادرسی افتراقی جرایم تروریستی در حقوق ایران و آمریکا می‌پردازد.

۱-۲- ادله اثبات جرایم تروریستی و اخلاق

۱-۱-۲ معکوس شدن بار اثبات دلیل و جایگاه اصول اخلاقی در آن

از جمله قواعد و اصولی که تحقق یک دادرسی منصفانه و اخلاق‌مدار را تضمین می‌کند، فرض بی‌گناهی است. التزام به این فرض آثار متعددی را در پی دارد که مهم‌ترین آن، تکلیف مقام تعقیب به ارایه دلیل و اثبات گناهکاری متهم است. در قانون موضوعه ایران نیز مواردی مشاهده می‌شود که بار اثبات دلیل معکوس می‌گردد لکن در این زمینه هیچگونه نظم‌بندی خاصی وجود ندارد زیرا معکوس کردن بار اثبات دلیل اولاً، بدون صراحت مقنن، ثانیاً، در مصادیق متعدد و پراکنده‌ای ذکر شده است. گاهی قوانین آیین دادرسی کیفری در خصوص جرائم خاص صریحاً بار اثبات دلیل را معکوس می‌نماید. این موضوع از طریق وضع و پیش بینی امارات و فروض قانونی به عمل می‌آید و گاهی مقنن به دستگاه قضائی اجازه می‌دهد به صلاحدید خود ضمن بررسی قرائن موجود حسب مورد نسبت به اجرای موازین عمومی یا معکوس کردن بار اثبات دلیل اقدام نماید. به عبارت دیگر، قوانین آیین دادرسی کیفری از سازوکاری استفاده می‌کند که تفویض اختیار به مقامات قضائی در معکوس کردن بار اثبات دلیل در صورت وجود قرائن به تأسیس یک اماره قضائی می‌پردازند.

توجه بسیار زیاد به حقوق و آزادی‌های فردی و حفظ کرامت اخلاقی شخصی، موجب غفلت از مصالح و منافع اجتماعی و نظم عمومی جامعه می‌گردد که در برخی موارد این غفلت موجب آسیب جدی و غیر قابل جبرانی به جامعه می‌گردد، لکن لازم می‌آید در این موارد سازوکار دیگری برای حفظ حقوق و امنیت جامعه و سودمندی اخلاقی جامعه طراحی گردد. از جمله مواردی که غفلت از آن موجب خسران غیر قابل جبران به حقوق جامعه می‌گردد جرائم تروریستی است که در آن متهمین از طریق مشکلات موجود در بار اثبات دلیل و یا حمایت‌های سیاسی، تبحر و یا به وسیله اسباب و لوازم دیگر به آسانی از چنگ سیستم عدالت کیفری می‌گریزند لکن سازوکاری که فی الحال در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای رفع و جلوگیری از این مشکل پیش بینی گردیده است تسهیل نمودن بار اثبات دلیل و معاف کردن مقام تعقیب به تکلیفی که برای ارائه دلیل و اثبات گناهکاری متهم دارد که از آن تحت عنوان "معکوس کردن بار اثبات دلیل" یاد می‌گردد. (علینقی، ۱۳۸۱: ۲۹)

در قانون موضوعه ایران مواردی مشاهده می‌گردد که مقنن در جرائم کم اهمیت، خواسته یا ناخواسته بار اثبات دلیل را معکوس نموده است و بار اثبات دلیل را بر عهده متهم نهاده است که با فلسفه اعمال آن در تعرض است زیرا معکوس کردن بار اثبات دلیل باید تنها در جرایم مهم که به شدت به حیات جامعه آسیب می‌رساند لحاظ گردد و در غیر آن در تعارض با حقوق و آزادی افراد بوده که توجیه پذیر نمی‌باشد. لذا توصیه می‌گردد که این مورد استثنائی جایگاهش را در قوانین موضوعه به دست آورده و تنها در جرایم مهم و در حوزه‌های کلان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، ملحوظ گردد. اگرچه به نظر می‌رسد قوه مقننه تمایل دارد در برخی از جرائم از جمله پولشویی بار اثبات دلیل را معکوس نماید لکن از سوی شورای نگهبان مورد پذیرش نیست و مخالف شرع و قانون اساسی دانسته گردیده است؛ زیرا شورای نگهبان طبق نظر شرعی اعتقاد به اصل مطلق براءت و اباحه و صحت

و غیره دارد لکن برای رفع این مشکل و اعمال معکوس کردن بار اثبات دلیل در برخی از جرائم مهم مانند جرائم سازمان یافته، در صورت اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان در وضع و اعمال آن مسئله از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام مرتفع گردد.

اگرچه قانون اساسی ایالات متحده به صورت آشکارا اصل برائت را نقل نکرده است اما می‌توان آن را از اصلاحیه پنجم (اصلاحیه شماره ۵: هیچ شخصی به سبب ارتکاب جرم سنگین یا به نحو دیگری ناهنجار، گناهکار شناخته نخواهد شد، مگر بر اساس کیفرخواست یا اعلام جرم هیئت عالی منصفه، مگر در موارد مربوط به نیروهای زمینی، دریایی یا نیروهای شبه نظامی که عملاً در حال خدمت در زمان جنگ یا مخاطرات عمومی باشند. همچنین هیچ کس برای یک جرم دوبار به حبس یا اعدام محکوم نخواهد شد. هیچ کس در هیچ مورد کیفری به اقرار به تخلف خود مجبور نمی‌شود، و هیچکس بدون طی مراحل قانونی مقتضی از حق زندگی، آزادی و دارایی خویش محروم نخواهد شد. همچنین اموال خصوصی افراد بدون پرداخت غرامت عادلانه برای استفاده عمومی مصادره نمی‌شود.)، اصلاحیه ششم (اصلاحیه شماره ۶: در تمامی دادرسی‌های کیفری، متهم از حق محاکمه سریع و علنی توسط هیئت منصفه‌ای بی‌طرف از ایالت و منطقه‌ای که جرم در آن رخ داده برخوردار است، منطقه مذکور باید پیشاپیش از سوی قانون تعیین شده باشد، وی همچنین از حق آگاهی از ماهیت و دلیل اتهام خود، حق مواجهه با شهودی که علیه وی شهادت می‌دهند، داشتن وقت و امکان لازم جهت احضار شهود به نفع خود، و داشتن وکیل به منظور دفاع از خود برخوردار است) و نیز اصلاحیه چهاردهم استنباط کرد. (Silver, 2016: 100) همچنین قاضی در پرونده کافین در برابر ایالات متحده اصل برائت فرد متهم را صادر نمود و بر مبنای پرونده مذکور محاکم کیفری آمریکا ملزم به صدور رأی برائت شده‌اند. (Stephenc, 2015:37) مجرم‌پنداری، عبارت است از بیان سخنان یا دادن مدرک‌هایی که گوینده یا ارایه

دهنده از رهگذر آن خود را بزهکار می‌داند. خود مجرم‌پنداری راهکاری برای کوتاه کردن فرایند کیفری از طریق ایجاد شرایطی برای پذیرش ارادی اتهام از سوی متهم است. (علینقی، ۱۳۸۱: ۲۵) این راهکار به دو روش نمود می‌یابد. به‌طور مستقیم که با بازجویی بازپرس یا دادستان یا شخص دیگر، شخص بزه خود را آشکار می‌کند و به‌طور غیر مستقیم که شخص بدون الزام یا بازجویی از سوی کسی، اتهامش را می‌پذیرد. این روش رویارو با اصل برائت، حق سکوت و حق مصونیت است اما برخی بر این باورند که متهم منبع و دلیل نخستین برای اثبات اتهام به شمار می‌رود و پنهان کردن بزه نه تنها به زبان متهم و باعث سرگردانی وی در طول رسیدگی کیفری و احیاناً بازداشت وی خواهد شد، بلکه به زبان بزه‌دیده نیز خواهد بود و با توجه به تاثیر پذیری دعوی مدنی از تصمیم دادگاه کیفری، جبران زیان به تعویق خواهد افتاد. علی‌رغم اینکه در بسیاری از کشورها اصل مصونیت در برابر خود مجرم‌پنداری پذیرفته شده ولی در ارتباط با متهم به بزه تروریستی، این شیوه در دادگاه‌های برخی کشورها اجرا می‌گردد. (Geoff, 2015: 45) در سیستم قضایی انگلستان گاه ادعا می‌شود که مصونیت در برابر خود مجرم‌پنداری یک حق بنیادین نبوده و بلکه محدوده و جایگاه آن نیز پوشیده است و در جایی که سود همگانی اقتضا کند به ویژه در پیکار با تروریست‌ها می‌توان آن را تعدیل کرد. (Konani, 2015: 35)

۲-۱-۲- پذیرش معامله اتهام در پرتو دادرسی اخلاق‌مدار

در تعریف معامله اتهام باید گفت معامله اتهام قراردادی است فی‌مابین مقام تعقیب‌کننده جرم و متهم که هر دو طرف ملزم به رعایت آن هستند و مفاد آن عبارت است از اینکه در صورت اعتراف متهم به جرم یا کیفیات مشدده آن نادیده گرفته می‌شود و مثلاً سرقت مقرون به آزار و اذیت، سرقت ساده یا شروع به سرقت در نظر گرفته می‌شود یا سایر اتهام‌های وارده به متهم نادیده گرفته می‌شود و فقط به جرم اعتراف‌شده رسیدگی می‌گردد و یا اگر فقط یک اتهام مورد تحقیق باشد، اعتراف

گیرد مگر بر مبنای دلیل محتمل. در پرونده برینگار در برابر ایالات متحده، دیوان عالی ایالات متحده اینگونه دلیل محتمل را معنی کرد: «وضعیتی که حقایق و مستندات مدنظر مأمور قضایی و اطلاعات موثق مبنی بر ارتکاب جرم کفایت می‌کند».

(Gordon, 2016: 70)

در حقوق کشور آمریکا یکی از طرق شناسایی و کشف مرتکبان جرایم امنیتی و تروریستی، معامله اتهام است. تعریفی از این نهاد از سوی قانون‌گذار آمریکا ارائه نگردیده و این امر بدان دلیل است که نه مخالف حقوق فدرال محسوب می‌گردد و نه از حقوق شهروندان ایالات متحده به حساب می‌آید. در نتیجه، نمی‌توان انتظار داشت دادگاه‌های ایالتی و قانون‌گذاران حتماً بایستی آن را مراعات نمایند. تنها در سال ۱۹۷۱ دیوان عالی ایالات متحده، معامله اتهام را به‌عنوان بخش عمده و قابل قبول نظام کیفری پذیرفته است. درخصوص فواید معامله اتهام نیز گفته شده موجب کاهش تراکم پرونده‌ها در مراجع رسیدگی، کاهش ریسک‌پذیری با توجه به عدم اطمینان از سرنوشت و فرجام محاکمه که معلوم نیست حتماً منجر به محکومیت متهم گردد و همچنین به‌دست آوردن اطلاعات با ارزش از متهم و عوامل ارتکاب جرم و نحوه وقوع آن از جمله فواید معامله مذکور، می‌توان برشمرد. (Janda, 2017:116)

معامله اتهام یکی از نهادهای بسیار کاربردی در ایالات متحده است. اکثریت قاطع پرونده‌های کیفری به نسبت محاکمه هیأت منصفه به واسطه معامله اتهام حل و فصل می‌شوند. همچنین تناوب این نهاد در پرونده‌های فدرال از ۸۴٪ در سال ۱۹۸۴ تا ۹۴٪ در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. مشروطیت نهاد معامله اتهام از سال ۱۹۷۰ در پرونده بردی در برابر ایالات متحده ایجاد شده است.

قاعده رد ادله مانع استفاده دولت از دلایلی که به واسطه نقص قانون اساسی به دست آمده‌اند می‌شود. پرونده «مپ در برابر آهایو» منجر به ایجاد قاعده رد عدله گشت که مدارک و دلایل به دست آمده از طریق جستجو و بازداشت غیرمنطقی و بدون دلیل محتمل باعث نقص اصلاحیه چهارم قانون اساسی شده بود. (Browntie, 2016:20)

متهم باعث کاهش در میزان مجازات می‌شود. بدین ترتیب در کشور آمریکا اکثر پرونده‌های جرایم امنیتی و تروریستی بوسیله این نوع از شیوه دادرسی پیگیری و کشف می‌گردد. (Plosi, 2019: 60)

اگرچه گروه‌کشی و معامله اطلاعات از منظر اخلاقی مذموم و ناپسند است، لذا در اکثر سیستم‌های حقوقی دنیا، معامله اتهام و گروه‌کشی با متهم از سوی مقام تعقیب امری عادی و معمول می‌باشد. قانونگذاران کشورها به منظور سودمندی اجتماعی و با در نظر گرفتن فایده جمعی، اخلاق اجتماعی را بر اخلاق فردی مقدم دانسته و معامله اتهام را مجاز می‌دانند. (Kittichisaree, 2018: 75)

در نظام حقوقی ایران معامله اتهامی یک تأسیس سازشی برای رسیدگی به پرونده‌های کیفری می‌باشد که ریشه در نظام حقوقی کامن‌لا دارد و منظور از آن یک نوع توافق دو سویه بین متهم و مقام تعقیب، با موضوع «اتهام» است؛ بدین شکل که در جریان چنین تعاملی، متهم با اقرار به جرم یا وعده هر نوع همکاری دیگر، مقام تعقیب را یاری می‌دهد و در مقابل، مقام تعقیب هم متعهد به تخفیف مجازات متهم یا تبرئه او می‌شود. از مزایای این نهاد کمکی است که در تسریع امر دادرسی و تورم‌زدایی از پرونده‌های کیفری در مراحل مختلف رسیدگی می‌کند؛ چنین تأسیسی در نظام حقوقی کشور ما وجود ندارد اما به دلیل بحران ناشی از کندی دادرسی و حجم روبه‌رشد پرونده‌های امنیتی در نظام حقوقی ما، بررسی این نهاد و مزایا و معایب آن و تعیین امکان یا عدم امکان اجرای آن در حقوق کشور ما خالی از فایده نیست.

در ایالات متحده بر اساس اصلاحیه چهارم (اصلاحیه شماره ۴: حق مصونیت اشخاص به صورت فردی، در خانه، در نامه‌ها، اوراق و اسناد آنان و مصونیت دارایی‌های آنان به واسطه تفتیش و توقیف غیر موجه نباید مورد تعرض قرار گیرد، و هیچ حکمی نباید در این خصوص صادر گردد مگر بر پایه دلیلی محتمل و متکی به سوگند و یا تأیید رسمی و به‌ویژه با شرح و توضیح در باره محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف شوند) قانونی اساسی حق مصونیت افراد نباید مورد تعرض قرار

۲-۲- برابری سلاح و دادرسی منصفانه

«اصل برابری سلاح‌ها» یا «موازنه قواها» بدون تردید از عناصر ذاتی و غیرقابل تفکیک دادرسی عادلانه و اخلاق محور است. از آنجا که در فرآیند دادرسی کیفری مقام تعقیب به عنوان مدعی‌العموم (طرف دعوا) در برابر متهم، از اقتدار خاصی برخوردار است و به راحتی می‌تواند از قوای عمومی و سایر تضمین‌های لازم استفاده نماید و طرف دیگر دعوا (متهم) در چنین موقعیتی نیست، لذا اصل برائت کیفری به عنوان یک تضمین برای رعایت اصل برابری سلاح‌ها و ایجاد تعادل و توازن قدرت میان طرفین دعوا وضع گردیده است. (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۶۹)

بنابراین از جمله مهمترین مقتضیات اصل کرامت ذاتی انسان در قلمرو حقوق کیفری شکلی حق بهره‌مندی شهروندان از «دادرسی عادلانه و منصفانه» است. این حق، که یکی از حقوق بنیادین بشر است، در بسیاری از اسناد بین‌المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای، خصوصاً بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ب ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر پیش‌بینی گردیده است. (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۳)

۲-۲-۱- محدودیت استفاده از وکیل در پرتو اصول اخلاقی

در حقوق کشور آمریکا، متهم تحت اصلاحیه ششم قانون اساسی ایالات متحده حق اختیار وکیل را دارد. همچنین پلیس موظف است پیش از آن که شخص بازداشت شده را بازجویی کند، هشدار میراندا را قرائت نماید. در حقوق آمریکا مقره‌ای در رابطه با تعداد وکیل در جرایم تروریستی وجود ندارد و متهم می‌تواند چندین وکیل اتخاذ نماید. (Silver, 2016:99)

۲-۲-۲- جواز برگزاری دادرسی غیر علنی و جایگاه اصول دادرسی منصفانه و عادلانه در آن

از منظر آیین دادرسی اخلاق‌مدار، دادرسی علنی به عنوان یکی از اصول مهم حفظ کرامت ذاتی فرد می‌باشد. اگرچه دادرسی علنی جرایم، جنبه اخلاق فردی را تامین می‌نماید، لکن می

بایست وجه دوم آن را نیز در نظر داشت که اگر دادرسی جرایم تروریستی به صورت علنی برگزار گردد، باب یادگیری افراد دیگر را فراهم آورده و سودمندی جامعه و اخلاق جامعه را به مخاطره می‌اندازد. از طرف دیگر اخلاق حکم می‌نماید که دادرسی های متهمان جرایم خاصه متهمان جرایم تروریستی به صورت علنی برگزار گردد تا ارباب و جنبه سودمندی کیفر در میان افراد جامعه موثر واقع شود. بدین ترتیب اجرای دادرسی غیر علنی اگرچه حقوق فردی را تحت تاثیر قرار داده و کرامت ذاتی انسانی را نشانه گرفته و همچنین موجبات نقض حقوق شهروندی افراد و تزلزل مبانی دادرسی اخلاق محور را فراهم می‌آورد، لکن به منظور حفظ اصول و مبانی اخلاق جامعه به ناچار می‌بایست بدین شیوه عمل نمود. (Jazaiery, 2015: 62)

قانونگذار ایران نیز مقنن در ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، در این باره بیان داشته که محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند: الف- امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است. ب - علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد. (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۶۳)

۲-۳- رعایت حقوق شهروندی و اخلاق

۲-۳-۱- بازداشت خودسرانه توسط دولت در حقوق ایران و آمریکا و جایگاه اخلاق در آن

در برخی از جرایم همانند جرایم تروریستی به واسطه اهمیت آن و به منظور جلوگیری از فرار متهمین اینگونه از جرایم، مقنن امکان جلب قبل از ارسال احضاریه را با مقرر نمودن بند «ت» ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد تاکید قرار داده است. ماده مذکور در این باره بیان می‌دارد: «در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون آن که ابتداء احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند: الف - در مورد جرایمی که

بوده را از اندازه حبسی که دادگاه برای وی تعیین کرده، می‌کاهند. نسبت به متهمان بزه تروریستی، بازداشت در اندازه کیفر زندان یا حتی بدتر از آن می‌نماید. به علاوه فرصت رد دلایل نیز به آنها داده نمی‌شود. مظنون محوری را می‌توان، بدترین چهره قانون‌های ضد تروریسم دانست و این ویژگی یادآور دوران اثبات بزه از رهگذر شانس و گمان است.

(محمودی، ۱۳۹۶: ۳۳)

در حقوق آمریکا به منظور رسیدگی به جرایم تروریستی دو گروه از محاکم که عبارتند از دادگاه‌های کیفری غیرنظامی و دادگاه‌های نظامی صلاحیت رسیدگی به این قبیل پرونده‌ها را دارا می‌باشند. جبهه حقوقی در جنگ با تروریسم همراه با اختلاف نظر بوده است، در حال حاضر چندین پرونده علیه متهمین تروریسم در نظام قضایی ایالات متحده در دادگاه‌های کیفری غیرنظامی و دادگاه‌های نظامی که توسط رئیس‌جمهور بوش در نوامبر ۲۰۰۱ تأسیس شده بود موجود است. برخی از پرونده‌ها به دادگاه‌های غیرنظامی و مابقی به دادگاه‌های نظامی می‌روند. آنچه که تعیین می‌کند کدام پرونده به یک دادگاه نظامی یا دادگاه کیفری ارجاع داده می‌شود تقریباً به طور کامل اختیاری و خودسرانه است و بستگی به ملاحظات آنی دارد. قانون میهن پرستی، گفتمان سیاست جنایی آمریکا را در نوع نگرش نسبت به مهاجران و اتباع خارجی، ارتباطات فضای مجازی و فعالیت‌های تجاری و بانکی با تغییر و تحول اساسی مواجه ساخته و فرصت اعمال محدودیت‌های گسترده‌ای را در این حوزه‌ها فراهم آورده است. (علینقی، ۱۳۸۱: ۲۳)

۲-۳-۲- مؤلفه‌های اخلاقی در ضبط مکالمات و کنترل نامه‌ها در مراحل کشف جرم

حریم خصوصی افراد از منظر اخلاقی، دارای حرمت و محدودیت برای ورود دیگران است. حریم منزل، دفتر کار، نامه نگاری‌ها، ایمیل، پیامک و نامه‌های اداری و شخصی و تماس‌های تلفنی، مصداق‌های حریم خصوصی هستند. یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندان، رعایت اسرار و اطلاعات خصوصی مردم، حفظ امنیت حریم خصوصی آنان است. از منظر اخلاقی شنود هرگونه مکالمه و کنترل نامه‌های افراد، مغایر با ارزش

مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است. ب - هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد. پ - در مورد جرایم تعزیری درجه پنج و بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود. ت - در مورد اشخاصی که به جرایم سازمان‌یافته و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی متهم باشند». در حقیقت اگرچه جواز بازداشت خودسرانه قبل از اختطاریه از منظر اصول اخلاقی امری مضموم است، لکن به این دلیل که اصولاً متهمان جرایم امنیتی خاصه جرایم تروریستی به علت اینکه از قدرت تفکر و اندیشه بالایی برخوردار می‌باشند و به عبارتی دیگر هوشمندانه عمل می‌نمایند، لذا به منظور عدم آزادی عمل متهم و جلوگیری از مبادله اطلاعات، بازداشت خودسرانه توسط دولت می‌تواند کمک به‌سزایی در این مورد نماید. بدیهی است با توجه به موارد عنوان شده، خروجی عمل بازداشت خودسرانه توسط دولت، سودمندی جمعی و حفظ اخلاق اجتماعی را در بر دارد.

تجویز قرار بازداشت موقت به استناد بند «پ» ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ را می‌توان از جلوه‌های پذیرش دادرسی افتراقی درباره اعمال و جرایم تروریستی تلقی نمود چراکه در حقوق موضوعه ایران اصل بر عدم جواز بازداشت موقت متهم است (قسمت صدر ماده ۲۳۷) مگر در موارد استثنایی و خاص از جمله در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی با مجازات قانونی از درجه ۵ به بالاتر به استناد بند «پ» ماده ۲۳۷، مقام قضایی می‌تواند در صورت فراهم بودن شرایط لازم جهت بازداشت موقت متهم آن را صادر نماید. بازداشت افراد پیش از قضاوت دادگاه و بدون اثبات جرم انجام می‌گیرد. با این حال بازداشت بخشی از روند سیستم عدالت کیفری است. بازداشت موقت، سنگین‌ترین قرار تامینی است که برای بزه‌ای مهم صادر می‌شود. همسانی این قرار با کیفر زندان سبب شده تا از یک سو مدت آن کوتاه و در هر حال کمتر از اندازه حبس بزه باشد که متهم به جهت ارتکابش در بازداشت است و از سوی دیگر در صورت محکوم شدن متهم، مدتی که در بازداشت

جرایم امنیتی ضروری است. بی‌شک سیاست کیفری موجود در راستای محدودیت تماس تلفنی، اگرچه از منظر اخلاقی موجبات نقض حقوق متهم را فراهم می‌آورد، لکن یکی از اثرات مفید آن، حفظ سودمندی جامعه است.

در حقوق آمریکا معمولاً بعد از دستگیری به شخص اجازه داده می‌شود که تماس تلفنی برقرار کند، اما حد و حدود آن در ایالات مختلف متفاوت است. برای مثال در ماده ۳۳A قوانین ایالات ماساچوست این قانون درج شده است. مأمور پلیس در ایستگاه یا در محل بازداشتی که در آن دستگاه تلفن موجود است باید اجازه‌ی تماس با هزینه خود فرد بازداشتی را بدهد. (Dain, 2017: 90)

۲-۳-۴- امکان پنهان داشتن هویت شهود و مطلعان و جایگاه آن در اصول اخلاقی

قانون‌گذار در مقام حمایت از شهود، اقدامات و تدابیر غیرکیفری مختلفی مانند برگزاری جلسه دادگاه به صورت غیرعلنی و حمایت‌های مالی و جسمانی از شهود را مورد توجه قرار داده است. به‌رغم آن‌که مقنن تلاش کرده است از طریق این اقدامات و تدابیر غیرکیفری و با صیانت از کیان شهود، زمینه کشف حقیقت را فراهم آورد، اما به علل مختلفی، در عمل پاره‌ای از این تدابیر ناکارآمد و غیر مؤثر جلوه کرده است. به منظور جبران این کمبودها، قانون‌گذار علاوه بر حمایت از شهود از طریق شیوه‌ها و روش‌های غیرکیفری، به تدابیر و اقدامات کیفری نیز توجه نموده است. این تدابیر و اقدامات گاه در قوانین ماهوی در قالب تدابیری چون جرم‌انگاری و گاه در قوانین شکلی به شیوه‌های مختلف مانند بازداشت موقت متهم نمود یافته است. از جمله مواردی که مقنن در حقوق ایران امکان پنهان داشتن هویت شهود و مطلعان را مقرر داشته است، ماده ۲۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد که اینگونه مقرر داشته است: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند: الف- عدم

های اخلاقی بوده و امری ناپسند تلقی می‌گردد. لذا در خصوص مراحل کشف جرایم امنیتی خاصه جرایم تروریستی، مقتضیات و سودمندی جامعه اقتضاء می‌نماید که مکالمات و نامه‌های افراد مضمون تحت کنترل قرار گیرد؛ اگرچه این امر سودمندی فردی را در پی ندارد و از جمله عوامل نقض کننده حقوق افراد می‌باشد، به ناچار در جرایم تروریستی به‌واسطه مهم بوده این جرایم، اخلاق فردی، قربانی اخلاق جامعه می‌گردد. (Prentzas, 2006: 153)

اصل ۲۵ قانون اساسی، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، استراق سمع و هرگونه تجسس را جز به حکم قانون ممنوع اعلام کرده است. بنابراین اصل بر عدم جواز کنترل ارتباطات تلفنی است. پیرو این اصل قانونگذار در ماه ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصل را ممنوعیت کنترل و شنود قرار داده است. مطابق این ماده، کنترل ارتباطات مخبراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رییس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رییس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد. (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۶۹)

۲-۳-۳- محدودیت تماس تلفنی و جایگاه آن در حقوق کیفری اخلاق‌مدار

یکی از موارد حفظ کرامت ذاتی انسانی و از جمله خصوصیات حقوق کیفری اخلاق‌مدار، پیشگیری از نقض برخی از حقوق متهمان از جمله تماس تلفنی آنان می‌باشد. در حقوق ایران از آنجا که حق تماس تلفنی متهم با خانواده خود که یکی از اصول دادرسی عادلانه می‌باشد، به رسمیت شناخته شده است، لیکن در برخی از جرایم امنیتی، حق مذکور از فرد متهم سلب می‌گردد. بدیهی است این امر به سبب عدم ارسال و دریافت اطلاعات توسط متهم می‌باشد که به نظر نگارنده به نوعی در

مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم. ب- عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع. پ- استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور. تبصره ۱- در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این امر به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. تبصره ۲- ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد. تبصره ۳- ترتیبات مقرر در این ماده و تبصره (۱) آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجراء می‌شود».

(Jazaiery, 2015: 64)

نتیجه‌گیری

اصل کرامت انسانی و اخلاقی در قلمرو حقوق کیفری شکلی نیز از جایگاه والایی برخوردار بوده و دارای نقش محوری و بنیادین است. این اصل در تضمین مشروعیت نظام دادرسی کیفری، قانونمند کردن اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، جهانی شدن حقوق کیفری و تعدیل حاکمیت کیفری مطلق و انحصاری دولت‌ها دارای اهمیت و نقش اساسی است. به عبارتی دیگر احترام به کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های افراد از مبانی اخلاقی- سیاسی مشروعیت یک نظام سیاسی محسوب می‌شود. نظریه مشروعیت اخلاقی- سیاسی حکومت، در قلمرو آیین دادرسی کیفری دارای اهمیت خاصی است چون قواعد آیین دادرسی کیفری استفاده مستقیم دولت از قدرت و خشونت علیه شهروندان را سازماندهی و کنترل می‌کند. اگر قواعد آیین دادرسی کیفری ظالمانه و خودسرانه بوده و به دولت و مقامات اجرایی قانون یعنی دادگاه‌ها، دادسراها و پلیس و یا حتی اشخاص عادی اجازه استفاده از شیوه‌ها و تدابیر خودسرانه و مستبدانه را بدهند،

مشروعیت سیاسی - اخلاقی خود را از دست خواهند داد. یکی از مباحث جدی در راستای مبارزه هر چه بهتر در خصوص جرایم تروریستی که مورد توجه قانونگذاران و دکترین حقوقی بوده و باید باشد، توجه و اهمیت ویژه به مسئله آیین دادرسی حاکم بر جرایم تروریستی از حیث نحوه کشف جرم، تعقیب و تحقیقات مقدماتی و ... می‌باشد. بنا به دلایلی همچون دشوار بودن دستگیری تروریست‌ها، همکاری نکردن آنها با مأموران دولت در صورت دستگیر شدن، تهدید گواهان، تهدید دادرسان و بی‌تأثیر بودن اجرای کیفرها اقتضاء می‌کند و شایسته می‌باشد تا فرایند رسیدگی درباره این دسته از مرتکبان، دولت‌ها را به پیش بینی فرایند سخت تر و با شتاب‌تر و سیاست جنایی افتراقی گونه در قبال جرایم مذکور وا دارد. با این وجود آنچه را که نگارنده در پی آن بوده است پاسخ به این سوال است که آیا باید آیین دادرسی کیفری ایران در قبال جرایم تروریستی به صورت افتراقی باشد یا خیر؟ گرچه در هر دو نظام قانونگذاری ایران و آمریکا، نمی‌توان به طور قطع ادعای وجود مقررات دادرسی افتراقی و خاص را همانند آیین دادرسی جرایم اطفال بزهکار و ... شاهد بود، مع‌الوصف می‌توان مدعی شد که در نظام قانونگذاری ایران و هم کشور آمریکا، جرایم تروریستی را می‌توان تحت لوای جرایم بارز علیه امنیت (جرایم توأم با قتال و تخریب) تلقی نماییم. بنابراین از این منظر توجیه می‌نماییم که در قانون کشور ایران شاهد وضع مقررات افتراقی در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی از جمله جواز بازداشت موقت (بند پ ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲)، ایجاد صلاحیت قضایی اختصاصی، امکان جلب قبل از ارسال احضاریه، محدودیت تماس تلفنی، محدودیت دسترسی به وکیل و اختیارات وی، جواز ضبط مکالمات و کنترل نامه‌ها، جواز برگزاری دادرسی غیر علنی می‌باشیم و همچنین با بررسی‌های صورت گرفته، در حقوق آمریکا نیز در برخی از مراحل دادرسی متهمان جرایم امنیتی، نوعی رسیدگی افتراقی به چشم می‌خورد.

مع‌الوصف با توجه به حساسیت این جرایم و ارزش اجتماعی اساسی و مورد حمایت قانونگذار در جرم‌انگاری این دسته از جرایم (تروریستی) و هم با توجه به حساسیت این جرایم از

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش و نهایی سازی متن مقاله توسط نویسنده مسوول صورت گرفت و تهیه منابع و پلان تحقیق بر عهده نویسنده دوم بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند تشکر می‌نماییم.

تامین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تامین کننده مالی بوده است.

حیث ماهیت و آثار مخرب آن‌ها و به منظور تأمین هرچه بهتر مصالح عالییه دولت، حکومت و ملت، اقتضاء دارد که قانونگذار ایران اولاً در قالب قانون خاصی و یا فصل و عنوان خاصی را به جرایم تروریستی و آیین دادرسی ویژه آن به صورت منسجم و یکپارچه اختصاص دهد و یا اینکه لاقلاً به الحاق یک ماده یا تبصره به قوانین و مقررات موجود مواردی از قبیل حق سکوت، معکوس شدن بار اثبات دلیل و ... را بگنجانند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- Janda, K (2017). *American Government in Global Politics*. Vol 25. Massachusetts: The Challenge of Democracy.
- Jazayeri, M (2016). "Terrorism and Its International Instances". *Criminal Law & Criminology*, 16(10):50-64.
- Kavanagh, A (2017). "Special Advocates, Control Orders, and the Right to a Fair Trial". *Journal Compilation, The Modern Law review*, 33(1): 89-121.
- Kittichisaree, K(2018). *International Criminal Law*. New York: Oxford University Press.
- Konani, S (2015). "The Interplay of Human Rights Standards and Security Criminal Policy in the Horizon of International Law with a Reflection on American Patriot Law". *International Police Studies*, 20(11):36-43.
- Plosi, S (2019). *The Right of Suspects and Accuseds*. New York: Oxford University Press.
- Prentzas, G (2006). *Miranda Rights of the Accused*. New York. NY: The Posen Publishing Group.
- Silver, A (2016). *Prosecuting Terrorists after Septambr 11. Council on foreign Relations*. New York: Tata McGraw-Hill Education.
- Stephenc, S (2015). "Two Lawyer one Client and the Duty to Communicate". *University of new Hampshire law review*, (5): 36-41.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). «تفہیم اتهام و حق دانستن نوع و دلیل اتهام». تحقیقات حقوقی، ۱۹(۴): ۱۱-۲۴.
- علی‌نقی، امیرحسین (۱۳۸۱). «جایگاه امنیت در استراتژی ملی». فصلنامه مطالعات راهبردی، ۵(۱۵): ۳۱۹-۳۳۵.
- قربانی، علی (۱۳۹۴). رویکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر در قبال حق بر آزادی، امنیت و دادرسی عادلانه. رساله دکتری در حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- محمودی، علی (۱۳۹۶). «حقوق بشر در دادرسی کیفری بین المللی». پژوهش‌های حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱۱(۱): ۳۲-۷۴.

ب. منابع خارجی

- Browntie, L (2016). *Principles of Public International Law*. California: Stanford University Press.
- Dain, C (2017). "The Protective Principle of International Criminal Jurisdiction". *Plea Bargaining's Triumph j*, 16 (102):88-114.
- Geoff, G (2015). *Crimes Sans Frontiers: Jurisdictional Problems In USA code, The British Yearbook of International Law*. New York: Council on Foreign Relations.
- Gordon, J (2016). *Civil liberties VS. Civil Rights; on the Issues*. Vol 27. Massachusetts: The Challenge of Democracy.

References

- Alinaghi, A (2002). "The Position of Security in National Strategy". *Strategic Studies Quarterly*, 5(16):22-39. (Persian)
- Ardebili, M (2015). "Understanding the Accusation or the Right to Know the Subject and the Reasons of the Accusation". *Journal of Legal Research*, 19(4): 11-24. (Persian)
- Brownlie, L (2016). *Principles of Public International Law*. California: Stanford University Press.
- Dain, C (2017). "The Protective Principle of International Criminal Jurisdiction". *Plea Bargaining's Triumph j*, 16 (102):88-114.
- Geoff, G (2015). *Crimes Sans Frontiers: Jurisdictional Problems In USA code, The British Yearbook of International Law*. New York: Council on Foreign Relations.
- Ghorbani, A (2015). *The Case Study of the European Court of Human Rights on the Right to Freedom and Security and the Right to a Fair Trial*. PhD Thesis in Criminal Law and Criminology, Tehran: University of Tehran. (Persian)
- Gordon, J (2016). *Civil liberties VS. Civil Rights; on the Issues*. Vol 27. Massachusetts: The Challenge of Democracy.
- Janda, K (2017). *American Government in Global Politics*. Vol 25. Massachusetts: The Challenge of Democracy.
- Jazayeri, M (2016). "Terrorism and Its International Instances, Lecture Series and Proceedings of the International Anti-Money Laundering Conference". *Criminal Law & Criminology*, 16(10):50-64. (Persian)
- Jazayeri, M (2016). "Terrorism and Its International Instances". *Criminal Law & Criminology*, 16(10):50-64.
- Kavanagh, A (2017). "Special Advocates, Control Orders, and the Right to a Fair Trial". *Journal Compilation, The Modern Law review*, 33(1): 89-121.
- Kittichisaree, K(2018). *International Criminal Law*. New York: Oxford University Press.
- Konani, S (2015). "The Interplay of Human Rights Standards and Security Criminal Policy in the Horizon of International Law with a Reflection on American Patriot Law". *International Police Studies*, 20(11):36-43.
- Mahmoudi, A (2017). "Human Rights in International Criminal Proceedings, Commission of the Judiciary". *Criminal Law and Criminology Resea*, 11(1): 32-74. (Persian)
- Plosi, S (2019). *The Right of Suspects and Accuseds*. New York: Oxford University Press.
- Prentzas, G (2006). *Miranda Rights of the Accused*. New York. NY: The Posen Publishing Group.
- Silver, A (2016). *Prosecuting Terrorists after Septambr 11. Council on foreign Relations*. New York: Tata McGraw-Hill Education.
- Stephenc, S (2015). "Two Lawyer one Client and the Duty to Communicate". *University of new Hampshire law review*, (5): 36-41.